

به منصور حکمت

پیام پلنوم سوم
کمیته مرکزی سازمان
جوانان کمونیست به
منصور حکمت

منصور حکمت عزیزترینمان،

امید و آرزوهای آینده مان است.

دنیای امروز ما با وجود تو و اندیشه های تو، رنگ شادی و امید و زندگی گرفته و دنیای آرزوهایمان عینی تر و قابل دسترس تر شده است. تشنگیمان برای آزادی و برابری، تلاشمان برای تغییر، و مبارزه برای به وجود آوردن دنیائی که در آن



حرمت و عزت و ارزش انسان، بالاترین اولویتها باشد و شادی پرچم افراخته بر هر سردری، تحت رهبری تو عزیز گرانقدرمان، با برنامه دنیای بهتر و زیر پرچم کمونیسم کارگری، دیگر یک رویای دور نیست. دنیائی است که امروز همه سلاحها را برای جنگیدن و

وجود آوردنش داریم، و میجنگیم و ایجادش میکنیم. این را از تو داریم. آشنائی با تو، معلم زندگیمان، و اندیشه هایت و سنتهایی که تو پایه گذاری کرده ای سرمنشأ افتخار و سربلندی

اجتماعی و احساس خوشبختی یکایکمان است. رهبر نازنین و گرانمایه مان، با همه وجودمان در این دوران سخت بیماری در کنارت هستیم، و با همه قلبمان در انتظار شنیدن خبر سلامتی کاملت لحظه شماری میکنیم. به گرمی در آغوش میکشیم و مجدداً برایت آرزوی سلامتی میکنیم. پلنوم سوم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست ۱۴ مه ۲۰۰۲

لغو حجاب اجباری همین امروز!

بهرام مدرس

۹ اردیبهشت، دانشجویان تبریز لغو جداسازی های جنسی را در محیط کتابخانه شهر به رژیم تحمیل کردند. در همین هفته در تجمعی اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یزد، خواهان لغو حجاب اجباری و جداسازی‌ها جنسی شدند. چند ماه پیش دانشجویان دانشگاه ارومیه در اعتراضات خود، همین خواست را در مقابل رژیم اسلامی قرار دادند. ۲۰۰ نفر از دانشجویان مهندسی شیمی تبریز به رژیم اولتیماتوم دادند که اگر یکی از کارمندان حراست از محیط



دانشگاه اخراج نشود دست به اعتصاب خواهند زد. این اعتراضات، بعلاوه اعتراضات دیگری که انعکاس پیدا نمیکنند، بیان دور تازه‌ای در جنبش دانشجویی است. دور تازه‌ای که خواستی روشن و انسانی را در مقابل رژیم اسلامی قرار میدهد، خواست لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسی!

صفحه ۳



تن فروشی! مجرم کی است؟

ثریا شهابی

ها یا خرج تحصیل خود و خرج مهد کودک و مدرسه و لباس بچه ها، برای تامین اجاره مسکن و برای تامین همه یا بخشی از هزینه های زندگی خود و خانواده اش، به تن فروشی روی آورد. فقر و نیاز و حاکمیت ارزشهای اسلامی همه «مرزهای» سنتی برای اشتغال به تن فروشی زنان را از بین برده است. سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، تعداد بچه ها و «موقعیت اجتماعی» هیچ کدام مانعی برای روی آوردن به سمت این حرفه نیست. فقر همه چیز را به کالایی برای فروش و به جنسی برای خرید تبدیل کرده است. این سرمایه داری، و سرمایه داری اسلامی مطلبی که در زیر میخوانید،



قسمت هایی از مقاله ثریا شهابی است که اولین بار تحت عنوان «تن فروشی حرفه ای قانونی»، در همبستگی ماهانه شماره ۹۱، نوامبر ۲۰۰۰ چاپ شد. *****

این روزها در دنیا اتفاقات عجیبی می افتد که گاه انسان را به تردید می اندازد که در قرون وسطی زندگی می کند و مطلبی که در زیر میخوانید،

صفحه ۲

آشنایی با مفاهیم سیاسی! ناتو

فرشاد پویا

ناتو یا « سازمان پیمان آتلانتیک شمالی » یک پیمان و اتحاد نظامی است در ۴ آوریل ۱۹۴۹ تشکیل شد. اعضای آن متشکل از: « سازمان پیمان بروکسل » (بلژیک ، فرانسه ، لوگزامبورگ ، هلند ، انگلستان) ، کانادا ، دانمارک ، ایسلند، ایتالیا، نروژ، پرتغال و ایالات متحده آمریکا،



است. این پیمان دو دولت آمریکای شمالی را به کشورهای اروپای غربی متصل می کند. به موجب ماده ی پنجم پیمان، اعضای پیمان اعلام کردند، که حمله به هر یک از دولت های

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه پلنوم سوم کمیته مرکزی و مصوبات آن را در شماره آینده میخوانید



دارد. این اما توجیه و بهانه ای قابل قبول نیست. حکومت عراق نمی توانست در اولین قدم برای "اسلامیزه کردن" جامعه، زنان تن فروش را ذبح اسلامی و قتل عام کند اگر فرهنگ، مذهب، مردسالاری و اخلاقیات منحن ضد زن در جامعه را همراه خود نداشت. ارزش گذاری کاذب و وارونه ای سرتاپای نظام منحن و غیر بشری سرمایه داری را فراگرفته است. این همه چیز را وارونه جلوه می دهد و انسان را از خود بیگانه می کند. اخلاقیات منحن مردسالارانه و مذهبی که از ابزار کارایی است برای "نشاندن" مردم سرچایشان، این ارزش گذاری کاذب و وارونه و این درجه بیگانگی انسان از خود را، طبیعی جلوه می دهد. تن فروش شهریوندی محترم و شریف است و باید به همین عنوان نگریسته شود. واقعیت این است که حمله "اخلاقی"، "احساسی"، "حقوقی"، دولتی و مذهبی به تن فروشان تنها نوک قله مرتفع زن ستیزی و مردسالاری است. در جامعه ای که در آن زن تن فروش را علنا می زنند و له می کنند، بقیه زنان هم در هر شغل و مقامی، "آدم" بحساب نمی آیند. اگر زن تن فروش در فلان کشور اروپایی شغلی اش را تشکیل داده است و میتواند به درجه ای در کنار صاحبین سایر مشاغل جامعه "قانونا" در امان و تا اندازه ای صاحب حق باشد، زن تن فروش در جوامعی چون ایران و عراق از سیه روز ترین اقشار جامعه است. سرنوشت زن تن فروش در جامعه ای با یک دولت مذهبی و عقب مانده، سرنوشت زن تن فروش در جامعه ای قانونا و رسماً ضد زن و مردسالار، چیز بهتری از سرنوشت "ساحره ها و جادوگران" قرون وسطی نیست. "ذبح اسلامی" شدن هم سرنوشت آن ۱۸۰ زن بیچاره تن فروش در عراق شد. و اگر کسی کاری نکند، قطعاً بقیه زنان تن فروش عراق در زندگی یا مرگشان سرنوشت بهتری نخواهند داشت.

تن فروشی یک حرفه

تن فروشی یک حرفه است، همچون سایر مشاغل موجود در جامعه. تن فروش شاغلی است همچون سایر شاغلیین جامعه. هنوز و تا این جا هیچ ارزش گذاری لازم نیست. هیچ چیز کثیف، غیر اخلاقی و فاسدی در اقدام کسی که برای امرار معاش ناچار می شود خود فروشی کند، وجود

در میان قبایل بدوی، یا در عصر انقلاب انورفرماتیک و دهکده جهانی ارتباطات! خبر بریدن سر ۱۸۰ زن تن فروش در عراق و آویزان کردن سرشان بر سر درخانه های آنها، یکی از آن خبر ها است که پشت هر کس که این خبر را شنید لرزاند.

اما آنچه که موضوع این نوشته است چیز دیگری است. موضوع طرح این سؤال است که چرا و چگونه دولتی میتواند در روز روشن سر ۱۸۰ زن "بدبخت" را از سر جدا کند، بر سرخانه ها بیآویزد، و آن را پرچم گسترش "اخلاق" در جامعه کند؟ آیا این شما را بیاد سوزاندن ساحره ها و جادوگران در قرون وسطی نمی اندازد؟ آیا زنان تن فروش "ساحره ها و جادوگران" دنیای متمدن معاصر اند که برای "پاک" کردن روح جامعه از "فساد" باید پیکر "ناپاکشان" به آتش "خشم جامعه" سپرده شود؟ اگر نه؟ چرا زنان تن فروش و نه هیچ قشر فروشنده دیگری به این مکافات دچار می شوند و نام آن هم دفاع از "شرافت" گذاشته می شود؟ موضوع این نوشته حمله به قوانین، اخلاقیات، احساسات، ارزش گذاریها و نگاه کثیف و غیر انسانی به تن فروشان است. بی تردید دولت های در قدرت مسئول مستقیم جنایات علیه تن فروشان اند. جمهوری اسلامی ایران هم در مسیر "اسلامیزه کردن ایران" زنان تن فروش زیادی را مورد حمله قرار داد، وحشیانه شکنجه کرد و کشت. این از جمله جنایاتی است که بر متن بی حقوقی کامل زنان تن فروش در ایران، هنوز کسی پرده از راز آن برنداشته است. مدعیان این فخره از جنایات جمهوری اسلامی هنوز جرات نکرده اند که اعلام جرم کنند. قوانین، مذهب، دستگاه قضایی، انتظامی، پلیسی و تبلیغاتی، این ابزارهای انحصاری حکومت ها، همگی حمله به تن فروشان را مشروع، "اخلاقی" و "لازم" جلوه می دهند. این واقعیت بزرگی است اما همه واقعیت نیست. موضوع این نوشته صحبت در مورد آن واقعیات پنهانی است که بر متن آن نهاد ها و دولت های در قدرت می توانند به سادگی حکم حمله و تعرض به تن فروشان را صادر کنند. موضوع بی پناهی و بی حمایتی مطلق این قربانیان فقر و تحجر، در جوامعی چون ایران و عراق است. موضوع اعتراض به "تحمل" همگان در حمله به یک "فاحشه"

هست. با این تفاوت که کار تن فروش غیر قانونی، به حکم همه مذاهب مردسالار، "کثیف" و خودش مطرود است. نام شغل اش، "فاحشه و جنده" به تنهایی تهدید ترسناکی است بالای سر هر زنی که کمی پایش را از گلیم حدودات جامعه مردسالار درازتر کند. تن فروش نه فقط خودش که خانواده اش هم مطرود و مستوجب مجازات است، بچه هایش تخم حرام و زنا زاده و نسل در نسل مطرود و منزوی هستند. در اغلب جوامع قانون، اخلاقیات رایج، مذهب و سنت، مرد خریدار فحشا را "شریف، معتبر" و شهروندی عادی که کمترین کار غیر قانونی نمی کند، بشمار می آورند. در این جوامع برعکس، کار زن تن فروش را غیرقانونی می کنند، خودش را سرمنشا فساد و بیماری و مستوجب انواع مجازات ها معرفی می کنند. در این جوامع فروشندگان سکس را در موقعیت عنصری منزوی و طرد شده در جامعه قرار می دهند. خریدار، که خودش عنصری فعال در معامله است، اقدام خودش را "شرعی و قانونی" میدانند و به تن فروش بعنوان زنی "کثیف، فاسد و مستوجب مجازات" نگاه می کند. در این معامله نابرابر، یک طرف خریدار است که پول و قدرت (در هر سطح و اندازه ای) دارد و طرف دیگر فروشنده ای که نیاز به پول دارد، محتاج، بی حقوق و بی پناه است. یک طرف خریداری است که حمایت قانون، مذهب، "اخلاقیات" و افکار عمومی جامعه را دارد و طرف دیگر فروشنده ای است، بدون اینکه کارش با کار خریدار متفاوت باشد، به حیثیت و کثیف و فاسد متهم شده است که باید همچون اشرار پنهانی جنس اش را بفروشد و به هر کس و ناکسی حق سکوت و پاج بدهد. اگر صاحبین مشاغل "آبرومند" جامعه خوشبختی بچه هایشان را در ادامه راه مادران و پدرانشان می دانند، زن تن فروش بی

تن فروشی! ...

تردید آرزویش این است که فرزندش با ادامه شغل او "بدبخت" نشود.

ممنوعیت تن فروشی یا قانونی بودن آن؟

جامعه نیاز به کالای تن فروش را بازتولید می کند، آن را در جوار نهاد خانواده برای ارضای تمایلات جنسی مرد "ضروری" میدانند، اما خود تن فروش را له و نابود می کند. جوامع مردسالار از بدو پیدایش، وجود فحشا را بعنوان یک حرفه و نهاد در کنار خانواده لازم دانسته اند، نیاز به آن را تولید و بازتولید کرده اند. اغلب خریداران کالای تن فروشان، مردان "با شخصیت" و "روسای خانواده" هستند که پول خرید آن را دارند و می دانند چگونه از موقعیت ضعیف تن فروش در این معامله نابرابر، بنفع جیب، "شخصیت و حرمت فردی" خود سواستفاده کنند. می دانند چگونه با طرف معامله رفتار کنند که دل مذهب، "اخلاق" و سنت را بدست آورند. خریدار سکس ممنوع، می داند که می تواند پول کالایی که خریده است را ندهد و فروشنده دست اش به جایی بند نیست. میدانند که می توانند هر سواستفاده ای که دلش خواست بکنند. میدانند که می تواند تیغ بکشد، نعره بزند، کتک و شکنجه کند و هر رفتار غیر انسانی با زن تن فروش بکند و دلش قرص باشد که حمایت قانون، پلیس، مذهب و دولت و "اخلاقیات" جامعه را همراه خود دارد.

ممنوع کردن شغل و حرفه تن فروشی فحشا را از بین نمی برد، هزاران سال است آن را از بین نبرده است. ممنوعیت تن فروشی، بدتر از همه، موجب جنایی کردن محیط کار و زندگی تن فروش و خانواده اش و به خطر افتادن سلامتی و زندگی آنها میشود. وقتی تن فروش کارش غیر قانونی است، هر مشتری بیماری که نخواهد پولش را بدهد، میتواند با قانون و پلیس و زندان، او را سرچایش بنشانند. وقتی کار تن فروش غیر قانونی است شانس اینکه روزی بخاطر "سماجت و سرسختی" برای گرفتن پولش، یا سرپیچی از هر درخواست خریدار، با تیغ چاقوی مشتری قانونی در گوشه ای از خیابان از پا درآید زیاد است. نمونه این قتل ها بوفور اتفاق می افتد و تنها بخشی از آن به صقحه حوادث رسانه های رسمی راه پیدا می کنند.

ممنوع کردن تن فروشی زمینه فعالیت وسیع شبکه های واسطه و سازمانده فحشا را، که از قبل کار تن فروش و بی حقوقی او پول به جیب می زنند، گسترش می دهد. این موجب رشد شبکه باج بگیران و حق سکوت بگیران و موجب واداشتن تن فروشان به وارد شدن در شبکه های خرید و فروش مواد مخدر و هر نوع جرم و جنایتی می شود. غیر قانونی کردن کار تن فروشان، موجب محروم شدن آنها و کودکانشان از دسترسی به بهداشت، طب و درمان است. هرکس که طرفدار غیر قانونی شدن تن فروشی بعنوان یک شغل فردی است، مدافع تعرض قانون و "اخلاق" به تن فروش، مدافع دستگیری و مجازات تن فروش از جیب و شکنجه تا "ذبح اسلامی" در کشورهایی چون ایران و عراق است. هرکس که مخالف قانونی بودن اشتغال به حرفه تن فروشی است، مدافع حمله هر روزه به میلیونها کارکن و شهروند بی گناه، بی پناه و بی حقوق است.

راه حل!

باید از تن فروشی که به این کار بعنوان حرفه فردی اشتغال دارند، قویا حمایت کرد. باید خواست که جامعه محبت دریغ شده از این انسانهای شریف را نثار آنها کند. باید حرمت و منزلت انسانی سلب شده تن فروشان را به آنها بازگرداند. باید با هر نوع حمله اخلاقی، مذهبی، قانونی و فرهنگی و اجتماعی به این قشر از کارکنان جامعه شدیداً مبارزه کرد.

در این راه باید خواهان قانونی بودن اشتغال به تن فروشی بعنوان کسب فردی شد و در عین حال وسیعاً علیه شبکه های سازمانده فحشا و دلالهای بازار فحشا مبارزه کرد. باید خواهان قطع دست این سودجویان و باج بگیران از زندگی تن فروشان شد. بسیاری از انساندوست ها و جریانات بشردوست دیگری هم هستند که خواهان حمایت از تن فروشان اند. خیلی از این حمایت ها در بهترین حالت چیز بیشتری از از ابراز دلسوزی به حال تن فروشان نیست. این حمایت نمی تواند واقعی باشد اگر در قدم اول خواهان قانونی بودن اشتغال به تن فروشی و ممنوعیت فعالیت شبکه های سازمان ده فحشا نبود. این حمایت ها نمی تواند جدی باشد اگر خواهان جدایی مذهب از دولت نباشیم و برای قطع دست مذهب و اسلام از

زندگی خصوصی مردم تلاش نکنیم. قانونی کردن اشتغال به شغل تن فروشی، به این بخش از کارکنان جامعه امکان می دهد که در حمایت قانون قرار گیرند، اتحادیه تشکیل دهند، اگر کسی به حقوقشان تعرض کرد به نهاد های قانونی شکایت کنند، تحت پوشش قانون کار و حمایت های اجتماعی باشند و بدوا در موقعیت برابری با سایر کارکنان جامعه قرار گیرند. بعلاوه باید با تعمیم بیمه بیکار مکفی به همه کسانی که آماده به کارند، و از جمله تن فروشان، تامین اجتماعی همه شهروندان، مستقل از درآمد و نژاد و طبقه و جنسیت تلاش کرد که همه مردم را از بالاترین سطح رفاه اجتماعی برخوردار کرد تا کسی خود را ناچار نبیند که بخاطر تامین معاش به تن فروشی روی آورد. برای کمک به تن فروشان برای رشد و گسترش استعداد هایشان و یادگیری تخصص و حرفه مورد علاقه شان، باید کلاس های آموزشی و تخصصی رایگان با پرداخت دستمزد مکفی برای آنها براه انداخت و به آنها کمک کرد که، بدون فشار فقر و بی تاملی، بتوانند هم کار مورد علاقه خود را بیابند و هم در بازار کار در موقعیت قوی تری قرار گیرند. * راه حل قطعی در مبارزه با فحشا، به زیر کشیدن حکومت مذهبی، ایجاد جامعه ای انسانی، برابر، مرفه و خوشبخت است که کسی در آن خود را ناچار به اشتغال به کار تن فروشی نبیند. باید جامعه ای ساخت که رابطه جنسی، نیاز به برقراری رابطه جنسی و راه برآورده شدن این نیاز در آن طبیعی و بدون واسطه مذهب و مردسالاری و ریاکاری باشد. باید با هر نوع مذهب و خرافه ای که نیازهای جنسی مردم را در هاله ای از شرم و خرافه و ریاکاری میپوشد مبارزه کرد. تنگ کردن، تابو کردن نیازهای جنسی مردم، برخورد ریاکارانه و دوگانه به نیاز جنسی زن و مرد، تنگ کردن دایره آزاد رابطه جنسی، همیشه نیاز به کار تن فروش را بازتولید می کند. باید با رفاه، آموزش، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری مکفی این شغل را از دسترس همه دور کرد. * * *

* برنامه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد مهمترین مطالبات و شرایط حمایت از تن فروشان و مبارزه برای ریشه کن کردن فحشا را بخوانید.

لغو حجاب...

این دیگر جلسات و تجمعات دوم خردادی های سابق و جبهه دمکراتیک های جدید نیست که محیط سیاسی دانشگاهها را رقم میزند. خواستهای انسانی نسلی که میخواهد آزاد و برابر زندگی کند، در محیط دانشگاهها موج میزند. این انسانی ترین خواست جوانان، برای نمایندگان دوم خردادی رژیم در جنبش دانشجویی برابر با کفر کبیر و از دست رفتن دین و ایمانشان است. دانشگاهها اما محل خرافات و ارتجاع اسلامی نیستند. دانشگاه محل نماز جمعه و اداره منکرات نیست. لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسی را باید به صدر خواستهایمان بدل کنیم.

رژیمی که ماندن و نماندنش به این وابسته باشد که روسری و حجاب زنان چند سانتیمتر بالا یا پائین رود، بهرحال رفتنی است. این رژیم باید برود. برای سرعت بخشیدن به آن اما باید از هرفرصتی برای تحمیل این

مصوبه سازمان ملل... ملل به سرکردگی آمریکا برای کودکان ساخته اند. سازمان ملل محل قدرتنمایی دولت های مرتجع جهان است. و امروز ابزار بی چون و چرای آمریکا. باید دید که در کدام بازی سیاسی باز حقوق کودکان را مطرح می کنند و در کدام رقابت و مسابقه نظامی باز جان کودکان را به بازی می گیرند.

آیا سازمان ملل و مصوباتش میتواند کودکان را نجات دهد؟ بی تردید نه! کودکان جهان تنها با خاصی از دست قدر قدرتی همه دولتهای سرمایه، وایتکان و آمریکا و حکومت های اسلامی روی سعادت خواهند

ناتو...

عضو را حمله به تمام اعضا می دانند و اگر به یک کشور عضو پیمان حمله نظامی شود هر یک از کشورهای دیگر « با هر وسیله ای که لازم بدانند» به آن کشور کمک خواهند کرد. این وظیفه کلی تر از وظیفه ای است که اعضای سازمان پیمان بروکسل و « اتحادیه ای اروپای غربی » به عهده گرفته اند. در این دو پیمان اعضا موظفند که در حمایت از یک دیگر، همه ی امکانات نظامی و غیر نظامی خود را بکار برند.

از ۱۹۴۹ جمهوری فدرال آلمان، یونان و ترکیه نیز به این پیمان پیوستند. در مارس ۱۹۶۶

خواست انسانی در هر کجا که امکانش را داریم استفاده کرد. لغو حجاب اجباری در محیط دانشگاهها، لغو جداسازی جنسی در سرویسهای دانشگاه و محیط دانشگاه! این را میشود همین امروز به رژیم اسلامی تحمیل کرد. این کار را دانشجویان تبریز کردند. مبارزات و اعتراضات حول این شعار واحد امکان عمل مشترک را به تمام دانشجویان دانشگاهها میدهد. هرکجا که در دانشگاهی اعتراضی برای این خواست درگرفت، باید سریعاً آنرا به خواست عمومی خود تبدیل کنیم. باید از دانشجویان یزد حمایت کرد. با حمایت فعالان از آنها امکان حمله رژیم را به دانشجویان یزد باید گرفت. محیط دانشگاهها را با شعارهای لغو حجاب اجباری و لغو جداسازی جنسی پر کنیم.

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی سازمان

جوانان کمونیست

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۱

دید. اما باید همه مصوباتی که زیر فشار مردم تصویب می کنند را ابزار فشاری کرد، برای عقب نشاندنشان در تعرض به جان و سلامت کودکان! این مصوبات را باید بعنوان گوشه بسیار کوچکی از دریای توقعات مردم در مورد کودکان، بر سر همه شان کوبید و خواست که بلافاصله بدون چون و چرا و اگر و مگر و شرط و شروطی آن را اجرا کنند. و این قدم کوچکی در دفاع از کودکان است!

۱۵ مه ۲۰۰۲

ثریا شهابی

دفتر مرکزی اول

کودکان

فرانسه از شاخه ی نظامی پیمان خارج شد و در نتیجه شورای آتلانتیک شمالی، کمیته نظامی و دبیر خانه ی بین المللی پیمان، و سرفرماندهی قوای متحد اروپا، از فرانسه به بلژیک برده شد. ناتو یا پیمان آتلانتیک شمالی، اساساً بر ضد شوروی و کشورهای اروپای شرقی بسته شده و در برابر آن « پیمان ورشو» قرار داشت که اتحادیه مشابهی برای کشورهای اروپای شرقی بود.

سازمان ناتو یکی از سه حلقه ی نظامی « بلوک غرب » برای محاصره ی « بلوک شرق » بود. اما دو حلقه ی دیگر آن، یعنی سازمان سنتو و سیتو، اکنون از میان رفته است.

مصوبه سازمان ملل در مورد کودکان و حقایق!

که نمایندگانشان در سازمان ملل در مورد بهبود شرایط زندگی کودکان بحث می کنند.

* از هر شش کودکی که در آمریکا زندگی می کند، یکی فقیر است.

* از هر پنج کودکی که در کشورهای «درحال توسعه» یعنی «فقر زده» زندگی می کند، یکی پنج سالگی اش را پشت سر نمی گذارد و میمیرد.

* سالانه ۱۱ میلیون کودک از بیماری های قابل پیشگیری و قابل مداوا، می میرند.

* درحال حاضر سیصد هزار کودک زیر ۱۸ سال در ارتش های حرفه ای و در عملیات نظامی بکار گرفته می شوند.

* در عراق هزاران مورد سرطان بخاطر استفاده ارتش آمریکا از تسلیحات اورانیومدار، کشف شده

* زندگی بیش از ۳ میلیون کودک در آفریقا به ویروس ایدز آغشته است.

* ۲۵۰ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال در کشورهای فقر زده برای امرار معاش خود و خانواده هایشان کار می کنند و ۵۰ تا ۶۰ میلیون این کودکان در کارهای خطرناک بکار مشغولند.

* در چین ۱۳ میلیون کودک بین ۱۰ تا ۱۴ ساله کار می کنند.

* در ایران، تنها در تهران، ۳۰ هزار کودک خیابانی وجود دارد.

* در جهان ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی وجود دارد که در خیابانها کار و یا زندگی می کنند.

* میلیونها و میلیونها و میلیونها کودک دیگر! مگر جهان چقدر کودک دارد؟

این دنیایی است که دولتهای دست راستی و مرتجع سازمان

صفحه ۳

این معمولا خاصیت همه اسناد مصوب سازمان ملل است که با تبصره ها و اگر و مگر ها و شرط و شروط مختلف، دست همه دولتها را باز بگذارد که پس از خروج از سالن کنفرانس، مطلقا هیچ تعهدی برای انجام هیچ کاری حس نکنند.

کنوانسیون حقوق کودک هم همین طور است. همه چیز به بهانه های مختلف مثل قوانین کشوری، امکانات اقتصادی و فرهنگ و مذهب و رسم و رسوم، مشروط و موکول به خواست و تمایل دولت های در قدرت است. همه چیز، اختصاص پول و امکانات برای زندگی مردم و زندگی کودکان در گرو تمایل حکومت ها است. این مصوبات غالبا وقتی قدرت اجرایی و ارزش مصرف پیدا می کنند که بخواهند امثال صدام یا میلسویچ را تنبیه کنند و «سرجایشان بنشانند». یا این و آن دولتی که در مقابل آمریکا قدرت نمایی کرده است را، «گوشتالی دهند».

حقایق

اما به موقعیت کودکان در جهان در سال ۲۰۰۲ طبق گزارش یونیسف بنگریم. این گزارش می گوید، «باید تعهدات جهانی در سال ۱۹۹۰ در مورد بهبود وضعیت زندگی کودکان و خانواده هایشان را تامین کرد. باید حق هر کودک برای زندگی در صلح و سلامت و با احترام را تامین کرد». اما واقعیت جهان کودکان به اعتراف منابع * شصت تا هفتاد میلیون مین منفجر نشده در سراسر جهان زیر خاک مدفون است که اساسا توسط دولتهایی کار گذاشته شده است

سازمان ملل هم مثل همه اجلاسهای پیشین، محلی برای تصمیم گیری برای بهبود وضعیت زندگی کودکان و خانواده هایشان نبود. این کنفرانس ویژه کودکان برگزار شد به این خاطر که مردم جهان تغییر و بهبود، بخصوص برای کودکان، میخواهند و فشار می آورند. این اجلاس و اجلاسهای مشابه اساسا زیر فشار توقعات انسانی مردم برگزار می شود. اما اگر فشار مردم نباشد نه مصوبات و نه نتایج آن تغییری در وضعیت کودکان بوجود نخواهد آورد. اگر فشار مردم نباشد، مصوبات آن میتواند تنها و تنها به ابزاری در جدلهای سیاسی - نظامی تبدیل شود. به مهمترین جدل و نتیجه این اجلاس سازمان ملل در مورد کودکان بنگریم.

در نشست های این اجلاس حد ترین موضوع مورد جدل بین سران دولتها، ضرورت دسترسی همگان به آموزش، خدمات و بهداشت رابطه جنسی بود. در این مورد دو قطب در مقابل هم آموزش و بهداشت رابطه جنسی شامل کشورهای اروپایی، آمریکای جنوبی و آفریقای و طرف دیگر مخالفین آن، آمریکا، واتیکان و کشورهای اسلامی؛ و بالاخره متن نهایی که توانست به تصویب برسد، ضمن اینکه آموزش و بهداشت رابطه جنسی را در خود گنجانده اما آن را بنحوی فرمولبندی کرد که بتواند مورد قبول واتیکان و آمریکا و کشورهای اسلامی قرار گیرد. و این یعنی رها کردن اوضاع وخیم عدم دسترسی مردم به بهداشت و آموزش رابطه جنسی به سیاق سابق و با استانداردهای مرتجع ترین دول جهان!

میتوانند کودکان را نجات دهند؟ به اعتراف سربازان اسرائیلی، شارون دستور کشتار کودکان فلسطینی را صادر کرد و در مقابل چشمان جهانیان کشتار آنها توسط ارتش دولتی صورت گرفت که نماینده آن در اجلاس سازمان ملل برای بهبود وضعیت کودکان نشسته است. در این سازمان نمایندگان دولتی چون رژیم ایران نشسته، که کودک ستیزی، سواستفاده جنسی از کودکان، زندانی، شکنجه و اعدام آنها را قانونی کرده است. این همان سازمان مللی است که دوازده سال پیش (سال ۱۹۹۰) طرح تحریم اقتصادی عراق، یعنی محکوم کردن میلیونها مردم و کودک در عراق به زندگی در انزوا و مرگ از بی غذایی و بی دارویی، را تصویب کرد. همان سازمانی است که هنوز علیرغم اعترافات تکان دهنده خودشان به کشتار مردم بیگناه عراق و «بی اثر بودن حربه تحریم اقتصادی!» هنوز این تحریم را کاملا لغو نکرده است. تحریمی که به اعتراف خود نهادهای سازمان ملل تا سال ۹۹ موجب کشتار یک و نیم میلیون نفر به خاطر کمبود پزشک و دارو شد. بخاطر تحریم اقتصادی عراق و بعد از حمله آمریکا به این کشور و نابود کردن همه زیر ساخت های اقتصادی و مدنیت، طبق گزارشات نهادهای سازمان ملل، نیم میلیون کودک در عراق بخاطر عدم دسترسی به آب آشامیدنی جانشان را از دست دادند. واقعیت این است که این اجلاس

مصوبه سازمان ملل در مورد کودکان و حقایق!

اجلاس سران سازمان ملل متحد ویژه کودکان، که ۸ تا ۱۰ مه در نیویورک تشکیل شد، سرانجام متن نهایی اعلامیه ای در مورد بهبود شرایط زندگی کودکان را تصویب کرد. در این اعلامیه اقدامات لازم برای حمایت از کودکان در برابر فقر، بیماری، سوءتغذیه، سواستفاده و کودک آزاری مطرح و هدف های مشخصی برای سال های آینده پیش بینی شده است. این هدفهای سنتا چیزی نیست جز «قبول» سران دولتها، برای پائین کشاندن ارقام و درصدهای مربوط به وخامت وضع کودکان در جهان. هدفی چون اینکه، دولتها تعهد کنند که طی یک دوره زمانی مثلا ده ساله، نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را از فلان درصد به فلان درصد کاهش دهند. هنگامی که صحبت از بهبود وضع کودکان به میان میآید بی تردید هر انسان شریفی از هر ذره بهبود میلیمتری در وضع کودکان، توسط هر کسی که صورت بگیرد، استقبال میکند. این اجلاس سازمان ملل، به این خاطر مورد توجه مردم و هزاران سازمان غیر دولتی در سراسر جهان قرار گرفت.

اما آیا انتظار بهبود در وضعیت زندگی کودکان و خانواده هایشان، در همان سطح محدود مورد ادعای سازمان ملل، واقع بینانه است؟ آیا سیاستمداران نشسته در سازمان ملل، بوش و بلر، خاتمی و شارون میخواهند و

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

shahabi_99@yahoo.com

Tal: 001- 416 434 15 45

Fax :001- 781 735 83 59

E-Mail : shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

0044 776 110 66 83

0049 163 26 93 033

0046 70 48 68 647

001 416 69 80 358

0049 172 2957603

0049 174 944 02 01

لیلا روشن ضمیر

فرشاد پویا

نهبه ز احمدزاده

مریم طاهری

مهدی شهابی

بهرام مدرسی

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

کانادا:

ترکیه:

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.wpi briefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

از این سایت ها دیدن کنید:

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!